

حسین آجورلو*

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۹

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۲

چکیده

ژئوپلیتیک سوریه به گونه‌ای است که جایگاهی راهبردی به این کشور بخشیده است و هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپلیتیک خاورمیانه می‌شود. این امر نیز به نوبه خود تأثیر مستقیمی بر سیاست منطقه‌ای ایران می‌گذارد. در این مقاله، به عوامل سیاسی، اقتصادی و آثار منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره شده که باعث ایجاد موج انقلابی و اعتراضی در سوریه گردیده است، و دارای ویژگی‌هایی همچون ایدئولوژی متفاوت، عدم داشتن رهبری و تشکیلات، هم‌سویی خارجی و مسلحانه بودن می‌باشد. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که سناریوسازی درباره سوریه با احتیاط علمی بیشتری همراه شود. بر این اساس، می‌توان سناریوهای بقای نظام سیاسی فعلی، حاکمیت لیبرال‌های طرفدار غرب، قدرت‌گیری سلفی‌های تندرو، روی کار آمدن یک حکومت نظامی جدید، حاکمیت حکومتی محافظه‌کار و هم‌سو با قدرت‌های محافظه‌کار منطقه، تداوم جنگ داخلی، جنگ خارجی برای وحدت ملی، و تجزیه را در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: انقلاب، اقتدارگرایی، اسلام‌گرایی افراطی، دخالت خارجی

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و پژوهشگر مهمان پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۷۷ - ۵۵.

مقدمه

سوریه از زمان‌های گذشته، از نظر کشورهای مختلف، بالاترین منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را در منطقه خاورمیانه داشته و همچنان دارد. ژئوپلیتیک سوریه به گونه‌ای است که جایگاهی راهبردی به این کشور بخشیده است؛ زیرا باعث قرار گرفتن آن در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا گردیده و سوریه را در میان اروپای صنعتی و خاورمیانه قرار داده است. اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱. مرکزیت سوریه به لحاظ راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ و ۳. احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی و بنیادگرا در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

لازم به ذکر است، ترکیب موقعیت‌های چندگانه متمایز در زیرساختار منطقه برای سوریه است که باعث به‌وجود آمدن وضعیتی ممتاز، حساس و در عین حال خطرناک برای این کشور می‌شود. این وضعیت از یک طرف تضمینی برای امنیت، ثبات و رشد اقتصادی است و از طرف دیگر، دربر دارنده ناامنی، بی‌ثباتی و عقیم ماندن فرصت‌ها و ظرفیت‌هاست. با توجه به شرایط، این منطقه از لحاظ امنیتی سوریه با چالش‌های مواجه هستند که البته بخشی از این چالش‌ها از خارج بر آنها تحمیل شده، اما بخشی دیگر آن ناشی از درک نادرست همسایگان از یکدیگر است که هریک از این کشورها دیگری را تهدید برای خود تلقی می‌کند. همان‌طور که در مورد ویژگی‌های ژئوپلیتیک سوریه بیان شد، این کشور دارای محدودیت‌ها و مزایایی جغرافیایی خاصی می‌باشد که باعث تاثیرگذاری بر سیاست خارجی این کشور می‌شود. مزایای جغرافیایی این کشور در سیاست خارجی عبارتند از:

۱. واقع شدن در منطقه ژئواستراتژیک منطقه شامات؛

۲. کوهستان‌های حاصل خیز و صعب العبور در غرب این کشور که مانع جدی در نفوذ نظامی

دیگر کشورها می‌باشد؛

۳. وسعت و عمق راهبردی سوریه نسبت به همسایگان؛ و

۴. دستیابی به دریای راهبردی مدیترانه.

برخی از این ویژگی‌ها که باعث ایجاد محدودیت می‌شوند عبارتند از:

۱. سرزمین‌های لم یزرع و بیابانی در مرکز و جنوب این کشور؛
 ۲. نزدیکی پایتخت سوریه به مرزهای غربی و خطر سقوط در صورت حمله احتمالی؛
 ۳. تمرکز جمعیت سوریه در منطقه غربی؛
 ۴. جمعیت ناهمگن قومی و طایفه‌ای شامل سنیان، علویان و کردها که دارای فرهنگ‌های مختلف و اعراب بدوی و عشایر است.
- همین مزایا و محدودیت‌ها باعث شده سوریه از یک سو برای توسعه اقتصادی نیازمند به کمک‌های بین‌المللی باشد و از دیگر سو، به دلیل مزایا و محدودیت‌ها مباحث امنیتی در اولویت قرار می‌گیرد و این کشور را به سوی نوعی ضدیت با جریان حاکم در منطقه و جهان می‌کشد که ما این مساله را در دوران ثبات سوریه؛ یعنی حاکمیت خاندان اسد تا سال ۲۰۱۱ و شروع اعتراضات در این کشور می‌بینیم. همچنین اهمیت سوریه در سیاست خارجی ایران دلیلی برای بررسی علمی و دقیق می‌باشد. اهمیت سوریه برای ایران عبارت است از:
۱. تنها هم‌پیمان منطقه‌ای ایران است؛
 ۲. هم‌سوئی سیاست‌های ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی؛
 ۳. ژئوپلیتیک خاص سوریه در منطقه خاورمیانه؛
 ۴. حمایت از مقاومت فلسطینی؛
 ۵. اهمیت سوریه برای ایفای نقش در تحولات لبنان از جمله اینکه به عنوان حامی جریان مقاومت لبنان و عامل توازن قوا و مانع جنگ داخلی در این کشور است.
- حال با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک که در بالا بیان شد، این سوالات پیش می‌آید که چه عواملی باعث ایجاد موج انقلابی و اعتراضی در سوریه شده است؟ این اعتراضات دارای چه ویژگی‌هایی است؟ و آیا منجر به انقلاب یا اصلاحات خواهد شد؟ فرضیه‌ای که بیشتر می‌تواند پاسخگو باشد آن است که عوامل سیاسی - اقتصادی هرچند کم‌رنگ و تاثیرات یا مدیریت منطقه‌ای پررنگ قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث ایجاد موج اعتراضی در سوریه شده و ویژگی‌های آن ایدئولوژی متفاوت، عدم داشتن رهبری و تشکیلات، هم‌سوئی خارجی و مسلحانه بودن می‌باشد که در مقابل قدرت امنیتی و محبوبیت نظام در میان لایه‌هایی از مردم

شاهد اصلاحات اساسی در نظام سوریه خواهیم بود و وقوع انقلاب کمی دور از ذهن می‌نماید.

آغاز خیزش و انقلاب‌های عربی

عرب نام، زبان و فراتر از آن هویتی است که به سبب شرایط سخت زندگی ناشی از جنگ، خون‌ریزی و خشونت‌های قبیله‌ای در شبه‌جزیره عربستان که موطن اصلی اعراب بوده، به دیگر مناطق مهاجرت نمودند. امروزه اعراب در شبه جزیره عربستان، منطقه شامات و شمال آفریقا در بیست و سه کشور به عنوان اکثریت پراکنده‌اند و بیشتر مردم آن پیرو دین اسلام می‌باشند. لازم به ذکر است، اعراب در طول تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی، اگرچه در فرهنگ و هویت مناطق سکونت خود ادغام شدند، ولی هویت عربی خود را حفظ کردند. این هویت باعث شده اعراب اگرچه در کشورهای مختلف باشند، احساس نزدیکی با یکدیگر کنند و در نتیجه هر اتفاقی در گوشه سرزمین عربی در کل آن بازتاب می‌یابد. وقتی محمد البوعزیزی، جوان ۲۶ ساله که به‌رغم داشتن مدرک تحصیلی ناگزیر از فقر از طریق دست‌فروشی کسب درآمد می‌کرد و در شهر «سیدی بوزید» دست به خودسوزی زد، شاید نمی‌دانست که چه آتشی به جان حکام جهان عرب انداخت. با سقوط دو رژیم حاکم عربی مهم در شمال آفریقا که سال‌ها سکان اداره این کشورها را بر عهده داشتند، به نوعی نقشه سیاسی منطقه را به هم ریخت و به‌شدت شروع به تسری به کشورهای دیگر عربی کرد. با بحرانی شدن یمن، لیبی و بحرین، انقلابات عربی شکل خونین به خود گرفت و برخلاف مصر و تونس که کمترین خون‌ریزی در انتقال قدرت را داشت، این انقلابات به شدت خونبار شد. نظام سوریه نیز به عنوان یک کشور عربی از این وضعیت بی‌بهره نماند و مردم سوریه با الهام گرفتن سایر انقلابات، اگرچه دیرتر از کشورهای عربی دیگر، ولی به خیابان ریختند و خواهان اصلاح و تغییر اوضاع خود شدند. لازم به ذکر است این اعتراضات به دلیل وادار کردن نظام به اصلاحات، داشت به نتایج قابل قبولی می‌رسید که برخی از گروه‌های مخالفان نظام دست به اسلحه بردند و اعتراضات به مرحله خونبار خود رسید.

نظام اقتدارگرا

اکثر کشورهای عرب خاورمیانه و همچنین کشورهای آسیایی و آفریقایی در نظام و ساختار سیاسی، در یک ویژگی شبیه هم می‌باشند و آن نیز اقتدارگرایی است. در نظام اقتدارگرا، آزادی فردی شهروندان تحت‌الشعاع قدرت دولت قرار می‌گیرد که حاکمان بی‌توجه به خواست‌ها و اعتراضات مردمی به اجرای برنامه‌های خود اقدام می‌نمایند؛ از نمونه‌های تاریخی نظام‌های اقتدارگرا به نظام پادشاهی مطلقه، دیکتاتوری، نظامی و تک‌حزبی می‌توان اشاره کرد. در نظام اقتدارگرا، قدرت فاقد انعطاف‌پذیری لازم است، به‌طوری که افراد لایق نمی‌توانند در دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی راه یابند. به تعبیری دیگر، بازیگران اصلی و رسمی نظام‌های اقتدارگرا صرفاً بر اساس پیوندها و تعلقات به هیأت حاکمه به کار گرفته می‌شدند. در چنین نظامی، شخص حاکم در جایگاه عنصر اصلی ساختار سیاسی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پویش تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند.^۱ با توجه به توضیحاتی که داده شد، نظام تک‌حزبی سوریه در زمره نظام‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود و در این نظام‌ها به‌دلیل عدم مشروعیت کافی در میان اکثریت مردم، در اولین فرصتی که به دست آید، سعی در تغییر نظام برمی‌آیند و این فرصت برای مردم سوریه به دلایل مختلف درست یا نادرست از لحاظ فکری ایجاد شده است.

شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی درون سوریه

ریشه اصلی بحران جمعیتی سوریه، به این واقعیت برمی‌گردد که این کشور از اقوام و طایفه‌های مختلف تشکیل شده است. ایجاد یک نظم جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستلزم حل و فصل این بحران درونی است. ناگفته پیداست که یک چنین ترکیبات جمعیتی انسانی ناهمگونی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، موجبات بروز تنش‌ها و چالش‌های ناگزیر سیاسی و اجتماعی مختلفی را فراهم خواهد ساخت. جمعیت سوریه در سال ۲۰۱۰ برابر ۲۲,۵۱۷,۷۵۰ و با رشد سالیانه حدود ۳/۳ درصد بوده است. از این رقم ۹۰/۳ درصد عرب و مابقی ۹/۷ درصد کردها و اقلیت‌های کوچک آرامی، ارمنی، چرکس، کلدانی و

ترکمن هستند که از این تعداد حدود ۷۴ درصد اهل سنت و ۱۲ درصد علوی، ۳ درصد دروز، ۱۰ درصد مسیحی و ۱ درصد ادیان دیگر می‌باشند.^۲ لازم به ذکر است، بیش از هجده میلیون سوری تبار مهاجر در سایر مناطق جهان به‌خصوص در کشورهای آمریکای لاتین، آمریکای شمالی، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند. شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی به دلیل ترکیب نامتجانس جمعیتی تا زمانی قابل مدیریت اند که به وجود آمدن برخی بحران‌ها باعث هم‌عرض شدن این شکاف‌ها نشود و کار را به جایی برساند که از کنترل خارج شود. در سوریه نیز این اتفاق در حال شکل‌گیری است و شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی در حال هم‌عرض شدن با هم هستند و در صورت ضعف نظام و یا تغییرات در سوریه، امکان درگیری طایفه‌ای دور از انتظار نیست که این امر وحدت و یکپارچگی ملی این کشور را به شدت تهدید می‌کند. خاندان اسد که در راس حاکمیت نظام سوریه قرار دارد از اقلیت علوی است و اکثریت مردم سوریه را سنی‌ها تشکیل می‌دهند که در مراکز دولتی، نظامی، امنیتی و حزب حاکم بعث سوریه دارای اکثریت هستند. لازم به ذکر است که حکومت سوریه هویت خود را سکولار تعریف کرده و مذهب رسمی آن سنی می‌باشد. رایج شدن این تفکر بین مردم سوریه مبنی بر سلطه اقلیت علوی بر اکثریت سنی وحدت ملی را با چالش روبه‌رو کرده است؛ همان‌طور که برخی شعارها توسط معترضان به‌طور غیرمستقیم خواهان حکومت اهل سنت و رد حکومت علویان و شیعیان هستند،^۳ فرضیه شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی درون سوریه را تایید می‌کند.

رشد روزافزون اسلام‌گرایی افراطی

در مورد رشد اسلام‌گرایی افراطی در دهه اخیر در جهان اسلام، دیدگاه‌های مختلفی ارایه شده که قابل بررسی است؛ برای مثال هانتینگتون رشد اسلام‌گرایی را در عدم رضایت مسلمانان از سلطه و تهاجم فرهنگ غرب بر جهان اسلام می‌داند و دکم‌جیان ظهور اسلام‌گرایی را معلول بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی دانسته است.^۴ هر دو عامل را می‌توان در روند رو به رشد اسلام‌گرایی افراطی در خاورمیانه و به‌خصوص در سوریه موثر دانست. تنفر شدید مردم از آمریکا به دلیل حمایت از اسرائیل، تشدید آن بعد از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به

کشورهای خاورمیانه، اسلام‌گرایی افراطی به دلیل مقاومت در برابر آن از محبوبیت بیشتری در میان مردم سوریه برخوردار شد و رشد روزافزونی پیدا کرد. نظام سوریه که بر پایه سکولاریسم بنا شده، با نظریات اسلام‌گرایان افراطی که خواهان اجرای احکام اسلامی به تفسیر ایشان هستند، تعارض جدی دارد؛ به خصوص حکومت خاندان علوی که از نظر برخی از اسلام‌گرایان افراطی کافر محسوب می‌شوند، بر شدت تعارض افزوده است. به همین دلیل، اسلام‌گرایان سوریه به یکی از جریانات معارض غیرقابل انعطاف تبدیل شده و در صف اول مخالفان قرار گرفته‌اند.

عوامل بیرونی

تحولات در یک کشور، کم یا زیاد، تحت تاثیر عوامل خارجی می‌باشد و فهم این موضوع و درک راهبردی نقش عناصر قدرت در منطقه و نظام بین‌الملل، به عنوان عامل اصلی تنظیم روابط و معادلات قدرت در روابط بین‌الملل است. در خاورمیانه شاید بتوان جریانات جاری در منطقه را از لحاظ سیاست خارجی خود با اسرائیل به دو جریان تقسیم کرد. اختلافات این جریان محدود به نحوه برخورد با اسرائیل نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد و تعامل با قدرت‌های بزرگ گسترش می‌یابد. نخست، جریان مقاومت که در مساله فلسطین خواهان برخورد جدی با اسرائیل بوده و در موضوع برخورد با آمریکا و غرب نگاه بدبینانه دارند و شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب الله لبنان و حماس می‌باشند که از حمایت افکار عمومی نسبتاً خوبی برخوردار هستند و جریان دوم، جریان میانه‌رو و محافظه کار که خواهان پیگیری صلح خاورمیانه هستند و شامل کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی، اردن، جریان مارس لبنان به رهبری سعد الحریری، و تشکیلات خودگردان فلسطین است و دارای روابط بسیار گسترده‌ای با آمریکا بوده و از هم‌پیمانان راهبردی غرب محسوب می‌شوند. محوریت جریان میانه‌رو تا قبل از انقلاب مصر با این کشور بود که توانست با جریان مقاومت یک توازن قوا ایجاد کند. با این تغییرات در مصر، با فرض اینکه در آینده سیاست خارجی این کشور تغییری ایجاد نشود - گرچه ضربه سختی به آن وارد شده است - شاهد احتمال قوت گرفتن جریان مقاومت و در مقابل ضعف جریان میانه‌رو بودیم. اما جریان محافظه کار تلاش کرد تا جریان

مقاومت را تحت فشار قرار دهند تا جریانی که بعد از انقلاب مصر به سمت جریان مقاومت و ضدآمریکایی منطقه گرایش یافته بود را متوقف کنند. ازجمله اقدامات جریان محافظه کار با همراهی آمریکا، می توان به متهم کردن چهار نیروی حزب الله لبنان در دادگاه بین المللی ویژه ترور رفیق الحریری و همین طور حمایت همه جانبه رسانه ای، مالی و تسلیحاتی از اعتراضات سوریه بیان کرد. از سوی دیگر، کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا نیز تلاش می کنند با استفاده از تمام ابزارهای خود از جمله تحریم، کمک مالی به مخالفان، سازمان های بین المللی و شورای امنیت استفاده کنند تا نظام سوریه را تحت فشار قرار دهند و به اهداف خود دست پیدا کنند. کمک های خارجی به گروه های معترض سوری عموماً به شرح زیر ارایه می شود:

- طراحی و برنامه ریزی برای انجام عملیات تخریبی و اعتراضی؛
- حمایت در عرصه سیاسی و همچنین مجامع بین المللی و منطقه ای؛
- پول نقد برای تامین هزینه های جاری همچون حقوق، تبلیغات و غیره؛
- تامین سلاح برای انجام عملیات نظامی و مسلحانه؛ و
- تامین کارشناسان و مستشاران امنیتی، نظامی و فنی برای آموزش و تجهیز خرابکاری.

مشکلات بین نیروهای امنیتی، خاندان اسد و نظامیان

یکی از تفاوت های اساسی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نحوه حضور نیروهای امنیتی و نظامیان در فعالیت های سیاسی یک کشور است. عدم توانایی این کشورها در ایجاد جامعه مدنی، فرصت خوبی برای دخالت نیروهای امنیتی و نظامیان در سیاست فراهم آورده که این امر به خودی خود حکومت را به سوی اقتدارگرایی سوق می دهد و سوریه نیز از چنین خصلتی برخوردار است. اما بحران وقتی جدی می شود که بین این نهادها اختلاف نظری پیش بیاید و همین امر باعث بروز عینی بحران در کشور می شود. پاتریک سیل، مولف کتاب *زندگینامه حافظ اسد* به برخی از این اختلافات اشاره می کند؛ ازجمله ماهر اسد، فرمانده واحدهای نخبه نظامی و امنیتی سوریه، از چنان قدرت و نفوذی برخوردار است که گفته می شود چند بار به سمت آصف شوکت، فرمانده سابق اطلاعات ارتش سوریه، در پی جدالی که میانشان در

افتاده بود، تیراندازی کرد.^۵ لازم به ذکر است بعد از عمیق شدن بحران سوریه این چنددستگی جای خود را به وحدت داد؛ زیرا نیروهای امنیتی و نظامیان به خوبی دریافتند که در صورت هرگونه تغییر در نظام فعلی جایی در معادلات آینده سوریه ندارند.

نقش رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

امروزه رسانه‌های ماهواره‌ای به بخشی مهم در گردش اخبار و اطلاعات در میان مردم تبدیل شده‌اند. با گسترش این نقش، ماهواره‌ها تاثیر زیادی در افکار عمومی پیدا کرده و کنترل آن را از دست دولت‌ها خارج نموده و دارای دو کارکرد مثبت و منفی است که عبارت از افزایش آگاهی و ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی و روانی می‌باشد. در کشوری مانند سوریه که دارای فضای بسته‌ای است بیشتر برای نظام آن مخرب می‌باشد و آن را با بحران جدی روبه‌رو می‌کند. شبکه‌های تلویزیونی «الجزیره» قطر و «العربیه» عربستان سعودی که از برد رسانه‌ای زیادی در جهان عرب برخوردارند، از همان روزهای اول اعتراضات با قطع برنامه‌های اصلی خود به پوشش اخبار حوادث سوریه پرداختند. نقش رسانه‌های ماهواره‌ای به قدری در این اعتراضات پررنگ است که این فناوری به ابزار مهمی برای فعالیت‌های سیاسی و اعتراضاتی و همین‌طور پیشبرد اهداف قدرت‌های صاحب رسانه تبدیل کرده است.

نقش اینترنت

در دنیای کنونی، شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و توئیتر اگرچه عامل انقلاب نیستند، به یکی از تاثیرگذارترین عوامل بر تسریع انقلاب‌ها و عرصه‌ای مهم جهت ابراز مخالفت و افزایش آگاهی بخشی و در برخی مواقع جهت‌دهی به مردم تبدیل شده‌اند و نسل جوان معترض از این ابزار برای نشان دادن نارضایتی خود استفاده می‌کنند. اگرچه نقش اینترنت در اعتراضات سوریه بسیار کمتر از مصر است، تاثیراتی به‌ویژه در میان طبقات میانی سوریه داشته است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

مسلح شدن برخی از گروه‌ها

در چند سال اخیر، به‌خصوص بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و ناامنی این کشور که هم‌مرز سوریه است، از طریق مرزهای شرقی مقادیر زیادی سلاح وارد سوریه گردید و همین امر به مسلح شدن برخی جریانات و حتی -به دلیل فراوانی آن- برخی مردم عادی شد. این امر اگرچه در ابتدا خطری برای سوریه نداشت، ولی با وارد شدن این کشور به بحران مسلح شدن گروه‌ها و مردم به بزرگ‌ترین معضل پیش روی نظام حاکم تبدیل شد. از طرف دیگر، با آغاز بحران ارسال سلاح به داخل سوریه از مرزهای غربی؛ یعنی لبنان، و جنوبی؛ یعنی اردن، با حمایت جریان محافظه‌کار منطقه و اسلام‌گرایان افراطی به عمق بحران افزوده شد و این امر باعث طولانی شدن ناآرامی و همین‌طور تلفات بالای انسانی در این کشور شده است.

عوامل اقتصادی

یکی از مهم‌ترین مسایل موجود در دنیای امروز، عوامل اقتصادی است که در موفقیت و عدم موفقیت و درکل بر بقا و ادامه حیات حکومت تاثیر قابل توجهی دارد. عوامل اقتصادی در اعتراضات سوریه نیز بی‌تاثیر نبوده است، ولی بسیار کمتر از انقلابات مصر و تونس به دلیل نوع نظام اقتصادی این کشور می‌باشد. عمده‌ترین مشکلات اقتصادی تاثیرگذار بر اعتراضات سوریه عبارتند از:

- عدالت اقتصادی: عدالت اقتصادی، یکی از مسایل حیاتی جامعه بشری، و در سطح مباحث نظری از گذشته دور تاکنون مورد توجه ویژه بوده است. دست نامرئی آدام اسمیت و عدم دخالت دولت و نظریه‌های دولت رفاه^(۱) در اقتصاد آزاد، و از بین رفتن مالکیت خصوصی در اندیشه سوسیالیسم، کاهش فقر و فاصله طبقاتی و دست یافتن به عدالت نسبی در مناسبات اقتصادی، همواره بیانگر دغدغه پژوهشگران اقتصادی درباره عدالت اقتصادی است.^(۲) درست است که سوریه به دلیل وجود دولت سوسیالیستی از عدالت اجتماعی بیشتری نسبت به کشورهای دیگر

1. Welfare State

خاورمیانه برخوردار است، ولی مردم این کشور از بی‌عدالتی رنج می‌برند. نمود این مساله را می‌توان در شکاف شدید طبقاتی میان ساکنان شهرهای بزرگ و دیگر مناطق حاشیه‌ای دید. به‌واقع عدالت اقتصادی و فقر، یکی از معضلات اصلی سوریه بوده است که دولت از توجه جدی به آن غفلت می‌کرده و این به‌خودی خود زمینه‌ساز ایجاد بحران در یک کشور است.

- گرانی مواد غذایی: طی چند سال اخیر، شاهد افزایش شدید و ناگهانی قیمت مواد غذایی در جهان بوده‌ایم. بر اساس گزارشات سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، که در سایت آن وجود دارد، شاخص قیمت مواد غذایی در جهان به بالاترین حد خود رسیده است؛ چنانچه قیمت روغن، شکر و غلات نیز افزایش یافته است. دولت سوریه سعی کرده همواره با دادن یارانه به مواد غذایی مورد نیاز مردم از بروز بحران جلوگیری کند، اما سوریه نیز از این تأثیرات بی‌بهره نبوده و همین امر باعث فشار به اقشار آسیب‌پذیر این کشور شده است که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از عوامل بحران فعلی سوریه معرفی کرد.

- بیکاری: مشکلات ناشی از بیکاری مانند: مشکلات جسمی، معیشتی، مشکلات روحی و روانی می‌باشد. با گسترش تحصیلات عالی، بسیاری از جوانان تحصیل کرده شغل مناسب با تحصیلات خود را نمی‌یابند و حقوقی ناچیز دارند.^۷ سوریه جزو کشورهای جوان محسوب می‌شود که رشد بالای جمعیت آن، با اشتغال‌زایی در این کشور هم‌خوانی ندارد و باعث یاس جوانان از آینده و در پی آن ناکارآمد دانستن نظام سیاسی به پاسخگویی این نیاز اساسی می‌شود که این امر هم باعث از بین رفتن تدریجی مشروعیت نظام و در زمان آغاز بحران، زمینه‌ساز بروز ناآرامی‌ها در سوریه می‌باشد.

- فساد مالی و اداری: فساد مالی و اداری از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها کم می‌کند، تا آنجا که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت جدی مواجه کند و از هر نوع آن که باشد، ثبات و امنیت جوامع را به‌خطر انداخته و تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب می‌شود.^۸ دستگاه اداری سوریه، دارای فساد بالای اداری است و رشوه در آن به شدت رواج دارد. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، سوریه با نمره ۲/۵ از ۱۰، رتبه ۱۲۷ در بین ۱۷۸ کشور مورد بررسی را دارد. نکته جالب این گزارش، افزایش فساد مالی از سال ۲۰۰۲

تاکنون بوده؛ زیرا نمره این کشور در این سال ۳/۵ بوده است.^۹ همین امر باعث خستگی مردم از این وضعیت شده و در به وجود آمدن بحران کنونی، کمک شایانی کرده است.

ویژگی‌های اعتراضات سوریه

ایدئولوژی

ایدئولوژی عموماً به مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هدف‌گذاری‌های یک فرد، گروه، حکومت و یا یک جریان انقلابی گفته می‌شود که بر اساس آن دستورالعمل‌ها، احکام اجرایی و اتخاذ سیاست داخلی و خارجی مبتنی صورت می‌گیرد.^{۱۰} عموماً جریان انقلابی دارای ایدئولوژی خاص خود مانند: لیبرالیسم، اسلامی میانه‌رو، اسلامی تندرو، مارکسیسم، سوسیالیسم، دموکراتیک، ناسیونالیسم، فاشیسم، فمینیسم، آنارشیسم و غیره به صورت‌های مختلف هستند. جریانات اعتراضی سوریه برخلاف گفته برخی کارشناسان بدون ایدئولوژی نیست، بلکه باید گفت که دارای ایدئولوژی‌های مختلف و گاه متعارض با یکدیگر است. از ایدئولوژی اسلامی تندرو تا احزاب مارکسیست و لیبرال در آن وجود دارد و همین امر مانع ایجاد اتحاد کامل بین این گروه‌های سیاسی می‌شود. برای مثال، در ارتباط با قضیه فلسطین و صلح اعراب و اسرائیل، اسلام‌گراها خواستار عدم مماشات با اسرائیل هستند، ولی لیبرال‌ها و غرب‌گرایان مشکلی با این امر ندارند.

مدت زمان بحران

از نظر زمانی، اعتراضات سوریه برخلاف انقلاب مصر که در هجده روز به نتیجه دست یافت، بسیار طولانی شده است. شاید یکی از عوامل عدم پیروزی معترضان سوریه، سرعت کم وقایع آن باشد و این امر، دستگاه امنیتی را قادر به مدیریت بحران می‌سازد و همین‌طور موجب ناامیدی جوانان معترض که قاعدتاً دنبال نتایج سریع می‌باشند، می‌شود.

تشکیلات

انسان موجودی آرمان‌گراست و دستیابی به آرمانی که انسان در ذهن خود می‌پروراند، همواره ممکن نمی‌باشد. تاریخ به بشر آموخته که برای تحقق آرمان‌های خود، باید در جستجوی ابزار و روش مناسب باشد. انسان به اقتضای اندیشه و شناخت شرایط و شواهد عینی که منجر به پیش‌بینی اتفاقات محتمل می‌شود، نیازمند اتخاذ شیوه‌هایی است که وی را برای نیل به اهداف و حفظ روحیه آرمان‌خواهی، تقویت و تجهیز نماید. تحقق آرمان، اهداف و مأموریت یک جریان اعتراضی و انقلابی از طریق طراحی سازمان‌ها، نظام‌ها و روش‌های مناسب توسط تشکیلات صحیح شکل می‌گیرد. هر تشکیلات صحیحی برای رسیدن به اهداف خود، وابسته به عناصری همچون انسان منظم و برنامه درست می‌باشد. نکته قابل توجه اعتراضات سوریه، عدم وجود این‌گونه تشکیلات لازم برای انقلاب است که می‌توان از ویژگی‌های اعتراضات سوریه یاد کرد؛ به‌طور مثال در انقلاب ایران در ماه آخر رژیم شاه، تشکیلاتی شبه‌دولتی به نام شورای انقلاب شکل گرفته بود که به امور رسیدگی می‌کرد.

دیدگاه بین‌المللی

در عرصه بین‌المللی، نقطه‌نظر دیگر بازیگران نسبت به یک بازیگر جزو امور پراهمیت شناخته می‌شود؛ زیرا دیدگاه جهانی و بین‌المللی نسبت به یک اعتراض و انقلاب چه درست باشد چه اشتباه، همین نظر است که می‌تواند آن را در رسیدن به اهداف خود نزدیک سازد و یا اینکه موجب تضعیف آن گردد. بسیاری از دیدگاه‌های بین‌المللی چندمنظوره بوده و عموماً قابل تغییر می‌باشند. تلاش گروه‌های انقلابی برای تغییر نظرات دیگران در مورد خود به این معنا نیست که دیدگاه بین‌المللی دیگران را پذیرفته‌اند، بلکه فقط تلاش می‌کنند تا دیگران دید روشن‌تری نسبت به آنها پیدا کنند. دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی عرصه نظام بین‌الملل، همواره بر اساس منافع ملی و یا ایدئولوژیک خود اقدام می‌کنند، به‌طوری که چنانچه تصمیم‌گیران سیاست خارجی یک کشور متوجه شوند حمایت از یک پدیده و یا جریانی خارجی- یا به شکل خاص در مورد بحث ما یعنی انقلاب- منافع منطقه‌ای یا جهانی آنها را در بردارد، به فکر بهره‌برداری از آن می‌افتند؛ چون هر موضوعی در سیاست

خارجی همچون صنعت داده، ستاده و ارزش افزوده دارد و ورودی و خروجی آن بر مبنای سیستم است. هر حمایتی در عرصه سیاست خارجی که فرایند تبدیل داشته باشد؛ یعنی منافع را تامین کند، برای مثال داده یا ورودی حمایت از یک انقلاب است و ستاده یا خروجی آن مقبولیت و کسب پرستیژ و یا ضربه به دشمن است. رهبران سیاسی دولت‌های مختلف به خوبی می‌دانند که پیش‌بینی آینده تحولات سوریه دشوار می‌باشد. اما هرگونه رویکرد و نظری که اکنون از سوی آنها اخذ شود، می‌تواند بر روابط آنها با نظام حال یا آینده سوریه تأثیر بگذارد. جهت آشنایی با منافع و همچنین محدودیت قدرت‌های درگیر با موضوع سوریه به جدول شماره یک توجه کنید.

رهبری

امروزه رهبری و چگونگی اعمال آن، موضوع مهمی است که به‌عنوان روندی از قدرت و نفوذ بر اعضا و گروه‌ها در یک جریان انقلابی و تأثیر مستقیم بر اعضا و گروه‌ها بر اثر تقسیم قدرت بین اعضا در یک گروه سیاسی و تشکیلات می‌باشد. رهبری یک جریان انقلابی به عنوان سر و نماد آن دارای وظایفی است که عبارتند از:

- مدیریت تدوین راهبرد شامل درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت؛
 - هدایت اعضا و گروه‌های جریان انقلابی؛
 - ایجاد ارتباط متقابل با کشورهای دیگر؛
 - کاهش اختلافات بین گروه‌های داخل جریان انقلابی از طریق مدیریت اختلاف؛ و
 - ایجاد سازوکار مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها.
- در اعتراضاتی همچون سوریه، داشتن یک رهبری واحد با برنامه و راهبرد مشخص برای ادامه مسیر انقلاب ضروری و لازم می‌باشد که در سوریه به‌رغم شرکت جریان‌های مختلفی اعم از: اسلامی، ملی، لیبرالی، سوسیالیستی و حتی مستقل مردمی، اما به‌دلیل داشتن ایدئولوژی‌ها، روش‌ها، سیاست‌ها و همچنین برنامه‌های متفاوت و پیگیری وقایع از خود، عملاً رسیدن به یک وحدت نظر به دلیل اختلافات اصولی برای تعیین رهبری و مدیریت اعتراض و انقلاب برای دستیابی به اهداف آن با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند بود.

حمایت عمومی

بقا و تداوم هر جریان انقلابی، وابسته به میزان حمایت عمومی و مشارکت همسو در عرصه‌های مختلف مبارزاتی آن است و این اصلی است که نسبت به جریان‌ات انقلابی مختلف جاری و ساری می‌باشد، بدین معنا که هیچ جریان انقلابی نمی‌تواند خود را از این قاعده مستثنی کند؛ زیرا حمایت و مشارکت عمومی و یا عدم وجود آن در بقا و دوام آن جامعه و زوال آنها، امری بدیهی و غیرقابل انکار است. برای همین منظور، جریان‌ات انقلابی همواره به دنبال فرایندی برای جلب افکار و حمایت عمومی هستند و در پی گسترش و همگانی کردن انقلاب برای دستیابی به اهداف خود می‌باشند. جریان انقلابی سوریه نیز از این قاعده مستثنی نیست و به دنبال کسب هوادار و حمایت مردمی است. شعارها و خواست‌های انقلابی سوریه از جمله مبارزه با اقتدارگرایی، فساد مالی و بیکاری و حتی طایفه‌ای و قومیتی برای جلب نظر مردم از طبقات مختلف با گرایش‌ات متفاوت در این راستاست.

اهداف

هدف وضعیتی است که جریان‌ات انقلابی می‌خواهند در آینده داشته باشند یا بدان دست یابند. اگر یک گروه نتواند هدف خود را تعیین کند، ناچار وضعیت موجود محیط به ایشان تحمیل می‌شود و در نتیجه، اهدافی که چه بسا با آرمان‌هایش سازگاری نداشته باشد، بر این گروه حکم می‌کند. باید گفت، تاکنون در مورد اهداف اعتراضات سوریه کلی‌گویی شده است؛ اهدافی از جمله ریشه‌کنی فساد، ایجاد دموکراسی، آزادی بیان و توسعه اقتصادی و ایجاد شغل ذکر شده، ولی برای این اهداف به نظر نمی‌رسد برنامه خاصی وجود داشته باشد.

شیوه انقلابی

گروه‌های اعتراضی و انقلابی برای تغییر نظام حاکم، عموماً به شیوه تظاهرات خیابانی یا نظامی و یا در اکثر موارد هر دو شیوه روی می‌آورند. تظاهرات خیابان، یعنی مردم برای اعتراض وارد خیابان شوند و خواسته‌های خود را فریاد بزنند و مرتکب خشونت نشوند یا اگر شدند، در

مقیاس محدود در دفاع از خود باشد. اما در مورد شیوه نظامی، این گروه‌های معترض به دلیل نداشتن مکان ثابت و توانایی نظامی یکسان مجبور به اتخاذ راهبرد جنگ نامتقارن می‌باشند که برخلاف جنگ کلاسیک الگوی معینی برای وضعیت‌های خاص نظامی ندارند، بلکه از عملیات متنوع با استفاده از عامل غافل‌گیری برای ضربه زدن به دشمن، یا همان جنگ‌های نامنظم؛ یعنی درگیری موقتی و مقطعی، استفاده از موقعیت‌های جغرافیایی طبیعی خاص و همین‌طور امکانات محلی استفاده می‌کنند. گروه‌های معترض سوری نیز برای پیشبرد اهداف خود از شیوه‌های گفته شده استفاده می‌کنند.

مقایسه اعتراضات سوریه با مصر

دومینوی اعتراضات در کشورهای عربی همچنان ادامه دارد و هر روز یک کشور به جمع کشورهای انقلابی و ناآرام می‌پیوندد و با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های بنیادین و ریشه‌ای این اعتراضات به قدری بارز و مشخص است که بیشتر کارشناسان بین‌المللی اتفاق نظر دارند که ماهیت اصلی این رویدادها با یکدیگر متفاوت است. در اینجا ما به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین انقلاب مصر و اعتراضات سوریه می‌پردازیم.

شباهت‌ها:

۱. کشورهای مورد نظر از کشورهای عربی محسوب می‌شوند؛
۲. این کشورها دارای نظام سیاسی اقتدارگرا با اشکال مختلف می‌باشند؛
۳. کشورهای مورد نظر دارای سیاست‌های نظامی‌گری و امنیتی هستند؛
۴. در این کشورها اسلام‌گرایان به شدت تحت فشار بوده و فعالیت‌های آنها ممنوع بوده‌است؛
۵. این کشورها دارای فقر و فساد اقتصادی در ابعاد مختلف بودند؛
۶. در کشورهای مورد بحث به نوعی نارضایتی عمومی از اوضاع وجود داشت؛
۷. نظام جمهوری موروثی بر این کشورها؛ و
۸. نقش بالای رسانه‌های عربی و منطقه‌ای در تحریک و ایجاد هیجان انقلابی.

تفاوت‌ها:

برای شناخت تفاوت‌های بین انقلاب مصر و اعتراضات سوریه به جدول شماره دو توجه کنید.

راهکارهای مدیریت بحران سوریه

مدیریت بحران را می‌توان از یک سلسله تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های علمی و اجرایی دانست که به دنبال شناسایی ریشه‌های بحران بر اساس اطلاعات موجود جهت مقابله به آن تصمیم‌گیری می‌کند. پیش‌بینی بحران، شناخت مناطق بحران‌خیز، یافتن راه حل، جلوگیری از عوامل و رویدادهایی که باعث بحران می‌شوند و بالاخره، کنترل سریع بحران از جمله نشانه‌های مدیریت صحیح بحران به‌شمار می‌رود. در صورت ایجاد بحران، وظیفه مدیریت اتخاذ تدابیری است که از تکرار آن و همچنین از وقوع بحران جدیدی که وضعیت را پیچیده‌تر سازد، پیش‌گیری کند.^{۱۱} اگر مدیریت بحران سوریه درست اداره نشود، شرایط فعلی، سوریه را با سرعت در سراسیمگی سقوط قرار می‌دهد و آینده غیرقابل پیش‌بینی برای آن ایجاد می‌کند. جهت شناخت راهکارهای پیش رو برای مدیریت بحران اعتراضات سوریه - که برخی از آن تاکتیکی، مواردی از آن بسیار خطرناک برای ادامه نظام و برخی دیگر موجب بقا نظام هستند - به جدول شماره ۳ توجه کنید.

سناریوهای آینده سیاسی سوریه

یکی از مباحث مهم و اساسی که مردم سوریه و کشورهای منطقه و جهان به‌شدت آن را دنبال می‌کنند، موضوع آینده نظام سیاسی است. آینده سوریه مساله‌ای مهم و راهبردی در تعیین آینده تحولات منطقه می‌باشد که نمی‌توان از آن به آسانی چشم‌پوشی کرد. چند فرضیه در مورد آن وجود دارد که عبارتند از:

۱. **بقای رژیم فعلی سوریه:** بقای رژیم فعلی سوریه به‌دلیل عدم دستاورد چشمگیر و همین‌طور قدرت آن در مقابله با معترضان، باعث شده این سناریو همچنان مورد مطالعه تحلیلگران این حوزه قرار گیرد.

۲. **روی کار آمدن لیبرال‌ها و طرفداران غرب:** یکی از اصلی‌ترین جریاناتی که احتمال به

قدرت رسیدنش می‌رود، جریان لیبرال است؛ زیرا هم مورد اعتماد غرب می‌باشد که می‌تواند کمک‌های اقتصادی غرب را نیز کسب کند، و هم مشکل چندانی با جریان محافظه‌کار ندارد.

۳. روی کار آمدن سلفی‌های تندرو: به دلیل تفاوت فرهنگی موجود در مناطق مختلف سوریه، به خصوص مناطق غربی با مناطق مرکزی و شرقی که عموماً مردمی عشایر و از لحاظ فرهنگی سنتی و نزدیک به اسلام‌گریان تندرو می‌باشند و همین‌طور به دلیل مسلح بودن و دادن تلفات زیاد در طول دوران حکومت خاندان اسد، قدرت یافتن آنها مساله‌ای جدی می‌باشد. با به قدرت رسیدن اسلام‌گریان تندرو، ممکن است جریان سومی به غیر از دو جریان موجود؛ یعنی مقاومت و محافظه‌کار در منطقه به وجود بیاید که منافع تمام قدرت‌های منطقه را به خطر بیندازد. ویژگی‌های احتمالی جبهه سوم را می‌توانیم این گونه بیان کنیم:

- ایجاد پایگاه اسلام سیاسی رادیکال در منطقه شامات؛

- ناشناخته بودن اقدامات و غیرقابل پیش‌بینی بودن؛

- درگیری با جریانات مقاومت و محافظه‌کار؛ و

- امکان تسری به مناطق دیگر.

۴. روی کار آمدن حکومتی نظامی: به سبب وجود قدرت و کمیت زیاد نظامیان در عرصه سوریه، احتمال انجام یک کودتا و سرنگونی رژیم اسد و برقراری یک حکومت نظامی دور از انتظار نیست.

۵. روی کار آمدن حکومت همسو با جریان محافظه‌کار منطقه: یکی از دیگر جریاناتی که قدرت گرفتنش به نظر محتمل می‌آید، حکومت همسو با جریان محافظه‌کار منطقه است که با تکیه بر شعارهای عربیت و مذهبی که برای کشوری که سال‌ها تحت نفوذ علویان و متحد راهبردی ایران بوده، جذاب می‌باشد و می‌تواند کمک‌های اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس را نیز کسب کند.

۶. تجزیه سوریه: کشورهای چندطایفه‌ای و قومیتی، به خصوص کشورهای خاورمیانه که به نوعی در آن ملی‌گرایی عمل‌گرا وجود دارد و هر طایفه و قومی دیگری را تحمل نمی‌کند، ابتدا موجب بی‌ثباتی شده - همان‌طور که در دهه ۵۰ و ۶۰ در سوریه شاهد کودتا و بی‌ثباتی سیاسی بودیم- و بعد از آن نیز امکان تجزیه وجود دارد.

۷. جنگ داخلی و طایفه‌گرایی و لبنانیزه شدن: در صورت وقوع مشکل، نوع پراکندگی و

درهم آمیختگی جمعیتی طایفه‌ها و اقوام در سوریه، امکان تجزیه بی‌مشکل را به این کشور نمی‌دهد و در نتیجه در بهترین حالت، دچار تنازعات دایمی سیاسی شده و در بدترین حالت موجب جنگ داخلی بین طوایف و قبایل می‌شود.

۸. **ایجاد جنگ خارجی برای وحدت ملی:** یکی از راهبردهای سنتی برای ایجاد وحدت و همچنین آرامش کشور آشوب‌زده، وارد شدن به جنگی با دشمن تاریخی است که این امر در بسیاری موارد مشابه باعث وحدت ملی شده است. جنگ با اسرائیل با داشتن خصوصیت دشمن تاریخی، اولین گزینه برای این راهبرد قدیمی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اگر کسی به‌طور صریح بگوید در سوریه انقلاب روی می‌دهد یا اصلاحات، به‌نوعی پیش‌گویی کرده است که از دایره علم خارج می‌باشد، ولی از نظر پیش‌بینی علمی، ما در این کشور شاهد تغییرات بزرگی خواهیم بود. به نظر می‌رسد دایره این تغییرات از اصلاحات اساسی گرفته تا اصلاحات کمرنگ، نوید گذار سوریه به مرحله تازه‌ای است که با توجه به مسایل موجود در این کشور، نمی‌توانیم از آن به‌عنوان انقلاب یاد کنیم. نظام سوریه که در زمره نظام‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود و به خاطر عدم مقبولیت کافی این گونه نظام‌ها در میان اکثریت مردم، در اولین فرصتی که به‌دست آید، سعی در تغییر نظام بر می‌آید و این فرصت برای بخشی از جریانات فکری در لایه‌هایی از مردم سوریه به دلایل مختلف، درست یا نادرست، از لحاظ فکری ایجاد شده است. لازم به ذکر است که بخش عمده مردم سوریه به دلیل ترس از آینده مبهم نظام سیاسی کشورشان و بدبینی به آمریکا و غرب که حامی اصلی اعتراضات سوریه محسوب می‌شود، از تغییرات انقلابی در کشورشان نگرانند، ولی دارای مطالبات و خواستار اصلاح امور اقتصادی و سیاسی در کشورشان هستند. در این میان، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که در ابتدا به‌دلیل سرعت وقایع به نوعی به بن‌بست مدیریت بحران رسیده بودند، کم‌کم به فکر اقدام و مدیریت انقلابات افتادند تا از این قافله تغییرات در منطقه خاورمیانه بی‌نصيب نباشند و به بازنده تبدیل نشوند. به همین دلیل، در موضوع اعتراضات سوریه هریک از این قدرت‌ها تلاش می‌کنند تا منافع خود را از طریق حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای، مالی و تسلیحاتی در این کشور پیش ببرند.

جدول شماره (۱)

بازیگر	توانایی‌ها	محدودیت‌ها	اهداف در منطقه	وضعیت مطلوب در سوریه
ایالات متحده آمریکا	ابر قدرت چند بعدی و از اعضای دائم شورای امنیت	عدم وجه در خاورمیانه و درگیر دو جنگ در منطقه	حفظ هژمونی و صلح اعراب و اسرائیل و مبارزه با اسلام سیاسی و بنیادگرا	خارج شدن سوریه از جریان مقاومت و حکومت طرفداران غرب
عربستان سعودی	قدرت مالی و مرکزیت جهان اسلام به دلیل مکه و مدینه	مدیریت سنتی و عدم پویایی در تصمیم‌گیری	حفظ جریان محافظه‌کار و محدودیت در نقش ایران	خارج شدن سوریه از جبهه ایران و حکومت همسو با جریان محافظه‌کار
ایران	قدرت امنیتی و نظامی و گروه‌های مقاومت	تحریم و ضدیت سران کشورهای منطقه	حفظ جریان مقاومت و کم کردن نقش آمریکا	حفظ وضع موجود در سوریه
اسرائیل	قدرت امنیتی و نظامی	عدم مشروعیت و عداوت افکار عمومی منطقه	به دست آوردن مشروعیت و امنیت و از بین بردن مقاومت	ضعیف شدن سوریه و روی کار آمدن حکومت طرفدار غرب
ترکیه	قدرت نرم و روند توسعه مطلوب	عدم تجربه به دلیل سالها دوری از خاورمیانه	به دست آوردن نقش سابق خود و ایجاد عثمانیسم اقتصادی	ثبات در سوریه با اسد یا بی اسد برای عدم سرایت به داخل ترکیه
فرانسه	قدرت صنعتی و فرهنگی و تجربه تاریخی حضور در منطقه و از اعضای دائم شورای امنیت	سابقه ذهنی استعماری	احیای نقش تاریخی خود و تبدیل شدن به عنصر فعال در سیاست، اقتصاد و فرهنگ	خارج شدن سوریه از جریان مقاومت و حکومت طرفداران غرب

جدول شماره (۲)

نوع	مصر	سوریه
اعتراضات	اعتصاب و تظاهرات خیابانی	تظاهرات خیابانی و درگیری مسلحانه
گروههای فلسطینی و لبنانی مورد حمایت	در فلسطین فتح- در لبنان جریان ۱۴ مارس به خصوص المستقبل	در فلسطین حماس و جهاد اسلامی- در لبنان هشت مارس به خصوص حزب الله
هم‌پیمان راهبردی	آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس، اردن	روسیه و ایران و کشورهای ضدآمریکایی مانند ونزوئلا و کوبا
دخالت خارجی	کم	زیاد
اسلام‌گرایان (نوع نگرش- فعالیت- نهاد سازی- تعامل با ایران)	میان‌رو- امکان فعالیت در امور غیرسیاسی- دارای نهادسازی- دارای تعامل با ایران	تندرو- فعالیت‌های زیرزمینی- فاقد نهادسازی- ضد تعامل با ایران
دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی	جریان مقاومت در خاورمیانه	جریان محافظه‌کار در خاورمیانه، اسرائیل و آمریکا
سطح دسترسی به اینترنت بر اساس آمار سایت «internet world stats»	٪۲۴/۵	٪۱۹/۸
فساد خاندان حکومتی	بالا	کم
مشارکت زنان	پر رنگ	کم رنگ
جایگاه منطقه‌ای و سیاست خارجی	محافظه‌کار	مقاومت
شکاف طائفی و قومی	کم	زیاد
ارتباطات با غرب و آمریکا	دوستانه	خصمانه
سطح تحصیلات بر اساس آمار یونسکو	۶۶/۴	۸۳/۱
اقتصاد سیاسی	لیبرالی	سوسیالیستی
فاصله طبقاتی	بسیار زیاد	متوسط
نحوه برخورد با معترضان	مماشات با معترضان و عدم کشتار وسیع	برخورد با مشت آهنین
فعالیت رسانه‌ها	محدودیت کم	محدودیت زیاد
ارتش	دارای ساختار نیمه وابسته به مبارک	کاملاً وابسته به خاندان اسد

جدول شماره (۳)

داده: راهکار مدیریت بحران	کیفیت اجرا	موانع پیش رو	بازخورد: ستاده
انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی	سریع و محسوس	اعتمادزایی عمومی به اجرا	بقا نظام ولی به شکل اصلاح شده
انتقال قدرت به یکی از همفکران اسد	در کمترین زمان ممکن تا از بین رفتن مشروعیت کامل نظام	مشکل درانتخاب جایگزین مورد اعتماد عمومی	بقا نظام مانند الگوی مصر و تونس عدم تغییر اساسی در سیاست داخلی و خارجی
ایجاد گفتگو ملی	برگزاری گفتگو ملی واقعی با نمایندگان اصلی جریانات سیاسی، طوایف، قبایل و عشایر	رسیدن به توافق در این گونه نشست ها به دلیل آرای بعضا متعارض با یکدیگر	بقا نظام ولی بسیار متزلزل و با ایجاد اولین اختلاف وضعیت بحرانی می شود
سیاست مش آهنین	قبل از هر گفتگو و تصمیمی اعتراضات را با قدرت قهریه نظم را به جامعه بازگردانند	تعصب عشایر و قبایل به قصاص خون جوانان خود و امکان ادامه اعتراض	بقا نظام ولی به شدت با بحران عدم مشروعیت داخلی و بین المللی روبه رو می باشد و آسیب پذیر
مدیریت نرم	فعالیت همراه با صداقت در عمل در رسانه ها موثر و تبلیغ این موضوع که در صورت نبود نظم امکان بهبود اوضاع وجود ندارد	عدم تجربه زیاد نظام سوریه در اقدامات امنیتی نرم و وجود رسانه های عربی غیر همسو قدرتمند در کار رسانه	بقا نظام ولی به شرط تداوم به صداقت این منابع
امنیتی کردن فضای سیاسی	کنترل امنیتی تمام شئون سیاسی، فرهنگی و خارجی و اخذ کمک های اطلاعاتی و امنیتی از کشورهای همسو و انجام اقدامات اطلاعاتی برای جلوگیری از ائتلاف اپزوسیون در داخل و خارج	نیازمند امکانات و نیروی زیادی همراه با همکاری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی	بقا نظام ولی به شدت همراه با بحران عدم مشروعیت داخلی و بین المللی
جلوگیری از ورود گروه های مسلح و آموزش دیده	کنترل بیشتر مرزهای سوریه با اردن، عراق و لبنان	مرزهای طولانی که نیازمند امکانات و نیروی نظامی زیادی است	بقا نظام به شرط تداوم کنترل

پاورقی‌ها:

۱. محمدرحیم عیوضی، «شاهی که می‌خواست خدایی کند: مطالعه تطبیقی سه مفهوم استبدادگرایی، اقتدارگرایی و نوسازی در عصر پهلوی»، *زمانه*، شماره ۲۵، ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۱.
2. The World Factbook, 2011, <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook>.
۳. آلن گرش، «شورش در سوریه»، ترجمه بهروز عارفی، *لوموند دیپلماتیک*، ۲۸ مارس ۲۰۱۱، <http://dostan.mondediplo.com/spip.php?article258>
۴. محمد اکرم عارفی، «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۶۲.
۵. «بشار محبوب است اما ماهر اسد، نه»، *تهران/امروز*، ۲۹ خرداد ۱۳۹۰، ص ۵.
۶. حسن آقا نظری، «عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۳، ص ۶۴.
۷. طارق العامر، «فقر و بیکاری عامل اصلی آغاز موج اعتراضات اخیر در مصر»، *باشگاه خبرنگاران*، ۱۳۸۹، <http://www.yjc.ir/News/NewsDesc.aspx?newsid=411923>
۸. علی کیوان پناه، «ریشه‌های فساد مالی و اداری کجاست؟»، *وبگاه آفتاب*، ۱۳۸۸.
9. Transparency International, "Corruption Perception Report 2010," at: http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2010/results.
۱۰. شهریار زرشناس، *واژه‌نامه فرهنگی سیاسی*، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۳، صص ۶۴-۶۳.
۱۱. شهیر نثاری، «چگونگی مدیریت بحران در افغانستان»، *ماهنامه نی*، شماره ۴، ۱۳۹۰، http://www.kotiposti.net/msaleha/nai_9/sh-4/p-1.html